

بررسی رابطه خلوت و تعامل در چند مجتمع مسکونی قزوین*

دکتر ایمان رئیسی**، مهندس الهه السادات حسینی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۴/۰۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه دو نیاز انسان در حوزه روانشناسی محیط با عنوان خلوت و تعامل می‌پردازد که با مفاهیمی چون تراکم و ازدحام مرتبط است. هدف اصلی، بررسی تأثیر تأمین خلوت بر تعاملات انسان‌ها در ساختمان‌های مسکونی قزوین می‌باشد. در این پژوهش از روش تحقیق همبستگی در ترکیب با روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است. فرضیه پژوهش با این مضمون که رسیدن به سطح مطلوب خلوت می‌تواند کیفیت تعاملات اجتماعی را بهبود بخشد، از طریق پرسش‌نامه در جامعه نمونه ساختمان‌های مسکونی شهر قزوین، به آزمون گذاشته شده است و این نتیجه حاصل شده است که تأمین خلوت مانع احساس ذهنی ازدحام و تنش بوده و در کیفیت روابط متقابل مردم تأثیرگذار است. لذا پیشنهاد شده است که سعی شود با رعایت اصول طراحی برای تأمین خلوت در ساختمان‌های مسکونی، مانند طراحی موانع واقعی و نمادین، تعریف قلمروهای خصوصی و عمومی و افزودن عناصر کارکردی مناسب، تعامل انسان‌ها افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی

خلوت، نظارت بر مرزها، تعاملات اجتماعی، ساختمان‌های مسکونی

**این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد معماری الهه السادات حسینی با عنوان «مرکز هم اندیشی انسان معاصر، با رویکرد پایداری اجتماعی» است که به راهنمایی دکتر ایمان رئیسی و مشاوره دکتر کاوه بذرافکن در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین انجام یافته است.
*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، دانشکده معماری و شهرسازی، گروه معماری. (مسئول مکاتبات)

Email: raeisi@qiau.ac.ir

Email: hosseini.ela@gmail.com

*** دانشجوی دکترای تخصصی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

۱-۱-۱ مقدمه

روانشناسی مدرن با پیش فرض تأثیر غیرمستقیم محیط کالبدی بر رفتار انسان که در نهایت خود را ملزم به بررسی محیط‌های معماری و شهری می‌ساخت از یک سو و از سوی دیگر توجه به طراحان محیطی در جهت برطرف ساختن نیازهای مشتریان و استفاده‌کنندگان فضاهای طراحی شده باعث شد تا آشنایی روانشناسی با حرفه طراحی و برعکس، آغاز شود و در نتیجه نطفه دانش نو و پارادایمی جدید به نام «روانشناسی محیطی» بسته شود (مطلبی، ۱۳۸۰؛ دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸). دانش روانشناسی محیطی شامل دو بخش نظری و کاربردی یا عملی بوده و در واقع در پی آشکارسازی ابعادی است که در روانشناسی عمومی به فراموشی سپرده شده‌است؛ ابعادی مانند شرایط کالبدی-معماری، فرهنگی و اجتماعی و نیز ابعاد نمادی محیطی (مرتضوی، ۱۳۸۰). زمینه‌های کاربردی این دانش، به گونه‌ای مؤثر می‌تواند در خدمت طراحان و معماران قرار گیرد و یافته‌های حاصل از آن در فرایند طراحی معماری نقش مهمی ایفا نماید (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

یکی از مفاهیمی که در اکثر مطالعات روانشناسی محیط‌های مسکونی مشاهده می‌شود، مفهوم «خلوت» یا «خلوت‌گزینی» است. «پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انسان علاوه بر این که برای ارضاء بسیاری از نیازهای پایه و فیزیولوژیک خود نیاز به قرارگاه‌های خلوت دارد، با ایجاد شرایط برای تنها شدن و خلوت کردن، از محرک‌ها و رویدادها فاصله می‌گیرد. انسان در این صورت می‌تواند به «خودآزایی»^۲ بپردازد. اگر این نیاز نیز مانند دیگر نیازها ارضاء نشود، انسان احساس تنش و تعارض می‌کند» (مرتضوی، ۱۳۸۰). با توجه به منابع فارسی که در دسترس نگارندگان بود، به نظر می‌رسد که مفهوم خلوت در مقایسه با مفاهیم ازدحام، فضای شخصی و قلمرو، چندان مورد توجه جامعه‌شناسان و رفتارشناسان قرار نگرفته و کمتر پژوهش علمی در زمینه مفهوم خلوت انجام شده‌است. منابع موجود، مشاهدات، پژوهش‌ها و نتایج مطالعات وستین^۳، آلمن^۴ و لنگ^۵ است که در بدنه این پژوهش از آنها بهره برده شده‌است. در مورد خلوت و فضای شخصی مقاله‌ای با عنوان «مطالعه‌ای مروری بر حفظ حریم بیماران» نوشته ندا مهرداد، زهره پارسا یکتا و سودابه جولایی است که به الزامات حفظ فضای شخصی بیمار در جهت بهبودی و سلامت روانی او پرداخته و در این پژوهش هم از آن استفاده شده‌است. «معیارهایی چون خلوت، فضای شخصی و رفتار قلمرو پای ادراک راحتی و کیفیت محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نیاز به خلوت، فضای شخصی^۶ و قلمروپایی^۷ در انسان عمومیت دارد و به ارضاء نیازهای دیگری چون امنیت^۸، خودشکوفایی^۹ و عزت نفس^{۱۰} ربط دارد.

بدون شناخت یک رفتار نمی‌توان آن را در طراحی در نظر گرفت» (لنگ، ۱۳۸۱). «فرهنگ‌های گوناگون برداشت‌های متفاوتی از مقوله خلوت دارند. آنچه در بین این فرهنگ‌ها متفاوت است شیوه نظارت بر تعامل اجتماعی است» (آلمن، ۱۳۸۲). در این پژوهش از روش تحقیق همبستگی در ترکیب با روش تحقیق پیمایشی استفاده می‌شود. در روش تحقیق همبستگی رابطه بین دو یا چند متغیر در شرایط طبیعی برداشت و مشاهده شده و در متغیرها تأثیری گذاشته نمی‌شود، در روش پیمایشی نیز اطلاعات مورد نیاز درخصوص یک گروه اجتماعی خاص از طریق تهیه پرسش‌نامه و بررسی نتایج آنها به دست می‌آید. پس از تکمیل مطالعات، از طریق پیمایش در جامعه آماری (ساکنان ساختمان‌های مسکونی شهر قزوین)، و تحلیل پرسش‌نامه‌هایی که با هدف پاسخگویی به فرضیه تحقیق تدوین شده‌است؛ نتایج و راهکارهای پیشنهادی در طراحی اماکن مسکونی برای حصول خلوت و گسترش تعاملات اجتماعی معرفی خواهد شد. هدف، پرسش و فرضیه پژوهش به شرح زیر است:

هدف: بررسی تأثیر تأمین خلوت بر تعاملات افراد در ساختمان‌های مسکونی.

پرسش: رعایت مشخصه‌های محیطی از جمله ابعاد، موقعیت مکانی، هم‌جواری فضاها و اصوات که در تأمین خلوت افراد نقش دارند، چه تأثیری بر تعاملات افراد در ساختمان‌های مسکونی خواهند داشت؟ فرضیه: رسیدن به سطح مطلوب خلوت می‌تواند کیفیت تعاملات اجتماعی را بهبود بخشد.

۱-۱-۲ مبانی نظری

خلوت فرایند تنظیم مرز میان افراد است و چگونگی تعامل فرد را با دیگران مشخص می‌کند (آلمن، ۱۳۸۲). «خلوت را می‌توان نظارت انتخابی بر رابطه فرد یا گروه با دیگران تعریف کرد. این تعریف چند ویژگی دارد، اول اینکه واحدهای اجتماعی گوناگون را شامل می‌شود. دوم اینکه در این تعریف خلوت فرایندی دو جانبه فرض شده‌است- یعنی فرد از دیگران اطلاعات می‌گیرد و به آنها اطلاعات می‌دهد. و سوم نظارت انتخابی که اشاره به پویایی و تغییر پذیری مقوله خلوت در طول زمان و در شرایط مختلف دارد» (همان). نکته اصلی این تعریف، توانایی کنترل افراد یا گروه‌ها بر تعامل دیداری، شنیداری و بویایی با دیگران است. برای مثال، راپاپورت^{۱۱} (۱۹۷۷) خلوت را «توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد» تعریف کرده‌است. خلوت نباید به گوشه‌گیری از جمع و تمایل به انزوا منجر شود (Schwartz, 1968؛ لنگ، ۱۳۸۱).

خلوت رسیده است. وقتی میزان خلوت کسب شده کمتر از میزان خلوت مطلوب است، میزان تماس از حد مطلوب بیشتر است. این موقعیت‌ها را عموماً تجاوز، تعرض به خلوت یا ازدحام قلمداد می‌کنند. هنگامی که میزان خلوت کسب شده بیشتر از میزان خلوت مطلوب است، شخص به بی‌حوصلگی، تنهایی یا انزوا دچار می‌شود» (همان). «افراد معمولاً برای رسیدن به سطح مطلوب خلوت از سازوکارهای رفتاری گوناگون مثل رفتار کلامی، رفتار غیر کلامی، رفتار محیطی (مثل تعیین فضای شخصی و قلمرو)، و هنجارها و کنش‌های فرهنگی بهره می‌گیرند» (همان). سازوکارهای خلوت بر حسب زمان و موقعیت ممکن است تغییر کند؛ یعنی اگر سطح مطلوب نظارت بر مرز میان خود و دیگری حاصل نشد، فرد ممکن است به سازوکارهای دیگری نیز متوسل شود. نظارت بر خلوت به واسطه نظام پیچیده بازخوردی صورت می‌گیرد، که منابع آن در طول زمان تغییر می‌کند تا تمایلات فرد با نتایج به‌دست‌آمده همخوان و هماهنگ شود. نقش محیط کالبدی در مقوله خلوت بسیار پیچیده است و شامل لایه‌های گوناگونی است که در فواصل مشخصی از فرد قرار گرفته‌اند. لایه‌های نزدیک‌تر مانند پوشاک و زیورآلات و فضای شخصی و ابعاد دورتر و گسترده‌تر محیط مانند قلمرو. «فضای شخصی، فضا یا جایی فرضی در پیرامون فرد است که تعدی دیگران به آن باعث تنش یا ناراحتی او می‌شود. تأمین فضای شخصی یکی از سازوکارهای اصلی دست یافتن به خلوت است» (لنگ، ۱۳۸۱). و در مورد قلمرو مکانی انسان هم لئون پاستالان^{۱۶} (۱۹۷۰) تعریف زیر را ارائه کرده است: «قلمرو مکانی فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روان شناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می‌آید.» تعریف ایروین آلتمن (۱۹۷۵)، از قلمرو «مکانی سازوکاری برای فراهم آوردن خلوت است. رفتار قلمروپایی سازوکاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی‌سازی یا نشانه‌گذاری یک مکان یا یک شیء، و تعلق آن به یک فرد یا یک گروه بیان می‌شود. در انسان، رفتار قلمروپایی حتی اگر مبنای زیست شناختی داشته باشد باز هم تابع هنجارها و معیارهای فرهنگی است» (لنگ، ۱۳۸۱؛ Dubos, 1965; Ardrey, 1966). «تأمین خلوت و کنترل قلمرو مکانی در طراحی محیط اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بعضی از نیازهای اساسی انسان از قبیل هویت، انگیزش و امنیت، از این طریق قابل ارضا هستند. آلتمن (۱۹۷۵) قلمرو مکانی را نه تنها تأمین‌کننده خلوت بلکه تثبیت‌کننده روابط اجتماعی می‌داند» (Becker, 1981 & 1982; لنگ، ۱۳۸۱). «در مورد نقش محیط کالبدی در تأمین خلوت تحقیقات دیگری نیز در حیطه زندگی خانوادگی انجام

«انواع مختلفی از خلوت وجود دارد که هر کدام مقصد متفاوتی را تأمین می‌کنند. وستین (۱۹۷۰) چهار نوع خلوت را به شرح زیر تشخیص داده است: انزوا^{۱۷}، آزاد بودن از مشاهده شدن توسط دیگران؛ قرابت^{۱۸}، معاشرت با فردی دیگر و رها بودن از محیط خارج؛ گمنامی^{۱۹}، ناشناخته بودن در میان جمع؛ و مدارا^{۲۰}، به کارگرفتن موانع روان شناختی برای کنترل مزاحمت‌های ناشناخته. وستین چهار مقصد را که با خلوت تأمین می‌شوند، تشخیص داده است. خلوت استقلال فردی را تأمین می‌کند، هیجان‌ات را تخفیف می‌دهد، به خودارزیابی کمک می‌کند و ارتباطات را محدود و از آن محافظت می‌کند. نوع و میزان خلوت مطلوب به الگوی جاری فعالیت، زمینه فرهنگی و شخصیت و انتظارات فردی وابسته است» (جدول ۱) (لنگ، ۱۳۸۱).

جدول ۱. رابطه خلوت و تعامل.

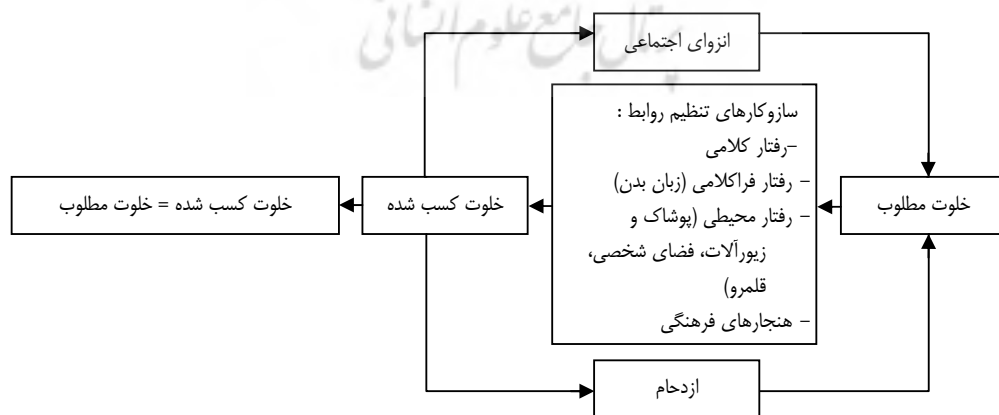
چارچوب نظری: رابطه خلوت و تعامل	
آلتمن	خلوت فرایند تنظیم مرز میان افراد است.
راپاپورت	خلوت توانایی کنترل تعامل اجتماعی است و بسته به فرهنگ افراد تعریف می‌شود.
وستین	خلوت ابزار اصلی دستیابی فرد به اهداف خود است.

«رفتار متقابل اجتماعی نتیجه کنش متقابل دائم نیروهای گوناگونی است که افراد را به یکدیگر نزدیک و از هم دور می‌کند. منظور از خلوت، فرایندی دیالکتیکی است و باید میان دو نیروی مخالف، یعنی در دسترس دیگران بودن و دوری از آنها، تعادل برقرار شود. شدت این نیروها نیز در هر زمان متفاوت است» (آلتمن، ۱۳۸۲). «کم یا زیاد بودن بیش از حد خلوت مطلوب رضایت بخش نیست و افراد و گروه‌ها همواره به دنبال سطحی بهینه از تعامل اجتماعی هستند. منظور از دیالکتیک خلوت رسیدن به سطح مطلوب تعامل با دیگران است که در هر زمان ممکن است زیاد یا کم شود، و منظور از بهینه سازی خلوت بررسی هرگونه انحراف از سطح مطلوب است» (همان). خلوت را می‌توان از دو دیدگاه بررسی کرد: ۱) سطح مطلوب تعامل که فرد یا گروه خود آن را تعیین می‌کند، ۲) حاصل یا میزان واقعی تعامل که ممکن است با سطح مطلوب هم تراز باشد و ممکن است نباشد. «نظارت بر تعامل اجتماعی همواره مستلزم توجه به رابطه خلوت مطلوب با خلوت کسب شده است. وقتی میزان خلوت کسب شده با میزان خلوت مطلوب برابر باشد می‌توان گفت که فرد به حالت بهینه

شده است. به طور مثال وجود پنجره و پرده اتاق خواب برای جلوگیری از ورود سر و صدا و نگاه دیگران بسیار مفید است. وسایلی مثل در، دیوار، نرده و تابلو از ورود ناخواسته دیگران به حریم فرد جلوگیری می کند. خانه باید مرزی محکم و استوار میان فرد و دنیای بیرون او ایجاد کند و طراحی داخلی آن طوری باشد که هم رابطه متعادل اعضای خانواده با طبیعت بیرون میسر باشد و هم تعامل افراد در داخل خانه تأمین شود» (آلتمن، ۱۳۸۲). «نظارت بر خلوت در درجه اول مستلزم تعیین میزان مطلوب خلوت در موقعیتی خاص و مشخص است. آنگاه بر اساس خلوت ایده آلی که در ذهن وجود دارد ترکیبی از سازوکارهای مختلف رفتاری را به کار گرفته می شود. این سازوکارها شامل ترکیبات متنوعی از رفتارهای کلامی، غیر کلامی و محیطی و هم هنجارها و رسوم فرهنگی است. اما نظام های نظارت بر مرزها ثابت و ایستا نیست، بلکه در طول زمان دستخوش تغییر می شود، به طور متناوب از محیط تأثیر می پذیرد و خود را با آن منطبق می کند. یکی از راه های از بین بردن فاصله میان خلوت کسب شده و خلوت مطلوب این است که فرد دوباره همان سازوکارها را به کار گیرد و سعی کند به هدف اولیه یا میزان مطلوب دست یابد. و راه دیگر تغییر هدف اولیه است، چرا که بعضی اوقات فرد در می یابد خلوت کسب شده بیش از خلوت مطلوب رضایت او را فراهم می کند» (آلتمن، ۱۳۸۲). خلوت بیش از اندازه به احساس انزوای اجتماعی و خلوت کم به احساس ذهنی ازدحام منجر می شود (Altman, 1975). (شکل ۱)

ادراک فرد از میزان کنترلی است که دیگران بر مزاحمت های خود دارند. ازدحام به دلیل ربط مستقیم به «فشار اجتماعی» موجب رفتارهای منفی می شود. قرارگاه ها یا مکان های رفتاری نباید بیش از اندازه شلوغ باشند؛ به این معنا که تعداد افراد باید با الگوی جاری رفتار تناسب داشته باشد و مردم باید فضای شخصی کافی و کنترل قلمروپایی دلخواه خود را داشته باشند (Bechtel, 1977). (نگ، ۱۳۸۱).

نظارت بر خلوت سه هدف مهم را برآورده می سازد: الف) رابطه فرد یا گروه با جامعه، ب) وجوه مشترک فرد و جامعه، ج) هویت فردی و یگانگی با خود. اهداف خلوت بر پیوستاری قرار دارد که یک طرف آن «نزدیکی به خود» و طرف دیگر «نزدیکی به جامعه» است. اساسی ترین کارکرد خلوت، تعریف از خود و رسیدن به هویت فردی است (آلتمن، ۱۳۸۲). این کارکرد خلوت ریشه ای عمیق در نهاد فرد دارد و دست کم دو جنبه دارد: خویشتن نگری و هویت فردی. خویشتن نگری مستلزم فرصتی است که فرد یا گروه ها به خود نگاهی بیاندازند و خود را توصیف و ارزیابی کنند. این کار معمولاً در حضور غیر انجام نمی گیرد. خویشتن نگری قدمی است به سوی خودارزشی و هویت فردی. هویت فردی عبارت است از درک روانی و عاطفی فرد یا گروه از خود. هویت فردی، درک فرد است از توانایی ها، محدودیت ها، ضعف ها، احساسات، عواطف و باورهای خود و به او کمک می کند تا خود را ارزیابی نماید و دریابد که آیا به حال خود و دیگران مفید است یا خیر. وستین (۱۹۷۰) یکی از کارکردهای مهم خلوت را استقلال فردی می داند که همان حس انسجام و استقلال و توانایی فرد به اجتناب از وابستگی به دیگران است و هم «ابزار اصلی دستیابی فرد به اهداف خود است». پژوهشگران تجاوز به خلوت را از این جهت



شکل ۱. مروری بر روابط میان خلوت مطلوب، ازدحام، انزوا و خلوت کسب شده

و راهروهایی که ارتباط مستقیم فعالیت‌ها را برقرار می‌سازند این فاصله را تقلیل می‌دهند. فواصل طولانی، تراکم رفت و آمد و تداخل فعالیت‌های یک مسیر موجب افزایش فاصله کارکردی نقاط می‌شود. مرکزیت کارکردی به سهولت دسترسی به امکانات مشترک گروهی، دفعات استفاده از آن و زمان استفاده از قرارگاه‌ها یا مکان‌های رفتاری گفته می‌شود. فرصت‌های دیدار و ملاقات با دیگران پیش نیاز ترویج روابط متقابل اجتماعی غیر رسمی و پیش‌بینی نشده‌است (لنگ، ۱۳۸۱). کیفیت فضایی محیط ساخته شده در تأمین تعامل اجتماعی بسیار مؤثر است. یکی از عوامل مهم شکل‌گیری کارکرد مرکزی مکان‌ها، قرار گرفتن یا نگرفتن در مسیر فعالیت‌های روزمره است. این مکان‌ها در صورتی خوشایند هستند که استراحت و آسایش را تأمین کنند و امکان مشاهده افراد دیگر را نیز فراهم آورند. چنین مکان‌هایی قلمروهایی عمومی یا نیمه عمومی هستند که با موانع نمادین به روشنی از یکدیگر تفکیک می‌شوند (همان). اگر از تأثیر جغرافیایی یک اتاق بر تعامل افراد سخن گفته شود می‌توان با تکیه بر مطالعات مختلف در یک طبقه‌بندی چهار مرحله‌ای فواصل اجتماعی را برای تبیین اثر چیدمان مختلف اثاث اتاق یا جغرافیای اتاق، بر شکل تعامل افراد از گفتگوی صمیمی تا حضور رسمی ارائه داد. هرچه فاصله بین افراد بیشتر شود، اطلاعات دیداری، بویایی، گرمایی و جنبشی آنها از یکدیگر کمتر می‌شود و برای حفظ تماس به صدای بلندتری نیاز است. هرچه فاصله بیشتر شود خلوت شخص بیشتر می‌شود و تعامل اجتماعی کاهش می‌یابد. ادوارد هال بین تماس‌های صمیمی، شخصی، اجتماعی - مشورتی و عمومی و فواصل مورد نیاز هر کدام تمایز قابل شده‌است، فاصله صمیمی (۴۵-۲۲) سانتی‌متر یکی از تماس‌های فیزیکی نزدیک است، فاصله شخصی (۱۲۰-۴۵)

مضر دانسته‌اند که استقلال فردی و عزت نفس فرد را تخریب می‌کند. هویت فردی در زندگی انسان نقشی محوری دارد. فرد برای داشتن تعاملی مفید با دیگران باید بداند فردیتش چیست، از کجا شروع می‌شود و در کجا تمام می‌شود، و کی می‌تواند نفع شخصی‌اش را در نظر بگیرد (آلتمن، ۱۳۸۲). نیاز به خلوت تحت تأثیر تفاوت‌های شخصیتی افراد است. نگرش افراد به خلوت بخشی از فرایند اجتماعی شدن آنهاست و ارزشی قابل آموختن است. راپاپورت (۱۹۶۹) معتقد است که در دید مردم نسبت به خلوت تفاوت‌های اساسی فرهنگی وجود دارد. طراحی ساختمان‌ها و فضای بین آنها در درک مردم نسبت به کنترل مکان مؤثر است. کیفیت محیط ساخته شده تا حدودی با میزان خلوتی که فراهم می‌آورد تعیین می‌شود. مطالعات ادوارد هال^{۱۷} (۱۹۵۹) رابرت سامر^{۱۸} (۱۹۶۹) ایروین آلتمن (۱۹۷۵) و اسکار نیومن^{۱۹} (۱۹۷۲، ۱۹۷۹) مطالبی را برای درک بهتر رابطهٔ شکل اتاق و رفتار انسان فراهم آورده‌اند. طراحان می‌توانند از طریق طراحی موانع واقعی و نمادین و تعریف قلمروهای داخلی ساختمان‌ها و فضای باز بیرونی برای نیازهای خلوت انسان پاسخ‌های بهتری بیابند. درحالی که میل داشتن به خلوت از طریق ایجاد فضای شخصی و کنترل قلمرو مکانی امری عمومی است، ولی شیوه پاسخ به آن در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (لنگ، ۱۳۸۱).

فاصله کارکردی^{۲۰} (واحد‌ها، ساختمان‌های حومه شهرها، و اتاق‌های ساختمان‌ها) و مرکزیت کارکردی^{۲۱} خدمات مشترک (ورودی ساختمان‌ها، راهروها و فضاهای انتظار ساختمان‌های اداری) الگوهای تعامل اجتماعی ساکنین فضاهای مسکونی و افراد شاغل در سازمان‌ها و مؤسسات تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فاصلهٔ کارکردی به میزان سختی ارتباط نقاط مختلف گفته می‌شود. مسیره‌ها

جدول ۲. عوامل مؤثر در تأمین خلوت و گسترش تعاملات اجتماعی

عوامل مؤثر در گسترش تعاملات اجتماعی	عوامل مؤثر در تأمین خلوت
خلوت کالبدی	کنترل دیداری
استقلال فردی حاصل از خلوت	کنترل شنیداری
مرکزیت کارکردی	کنترل بویایی
کیفیت فضایی	تعریف قلمروها
طبقه بندی فواصل اجتماعی	تعریف موانع واقعی و نمادین
خواسته‌های ساکنین	رعایت هنجارهای فرهنگی

و رفتارهای منفی مانند خوابیدن طولانی بیماران را کاهش داده است (Holohan & Seagert, 1973). بسیاری از پژوهشگران معتقدند که چنین وضعیتی در مناطق مسکونی نیز وجود دارد (لنگ، ۱۳۸۱).

مطالعه برج‌های مارینا^{۲۷}: از مطالعه برج‌های مارینا در شیکاگو این نتیجه به‌دست‌آمده که انتقال صدا به آپارتمان‌های مجاور و احساس تجاوز به قلمرو مکانی خانواده‌ها، در تعامل اجتماعی بین همسایگان مشکل ایجاد می‌کند (Flaschbart, 1969). اسکار نیومن (۱۹۷۲) نشان داد که در صورت وضوح محدوده‌های قلمرو مکانی، مردم روی رویدادها و در مقابل مزاحمت‌های قابل رویت کنترل بیشتری دارند (لنگ، ۱۳۸۱).

مطالعه موردی

در معماری اساسی‌ترین عامل مردم هستند، از این روی معنای هر اثر معماری بدین وابسته است که این اثر تا چه اندازه آسایش، آرامش و رضایت مردم را تأمین می‌کند و در پاسخ به نیازهای ایشان کارا است (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۱)، به عبارتی یک فضای مسکونی باید بتواند شرایط لازم برای رشد فردی هر یک از افراد خانواده اعم از کوچک و بزرگ را فراهم آورد. یعنی هریک از افراد خانواده باید قادر باشند بر حسب نیازهای روحی و روانی و علایق خود، فضای مناسب و حریم لازم برای انجام فعالیت‌ها و کسب آسایش جسمی و روانی را بیابند، علاوه بر این فضای مسکن باید بتواند محیط لازم برای برقراری روابط خانوادگی و ایجاد همبستگی جهت حفظ کيان خانواده را به وجود آورد. مسکن یا فضای زندگی باید از دو جهت دارای کارایی باشد، یکی از جنبه مادی یعنی ایجاد محیطی با دسترسی، امکانات، درجه حرارت، رطوبت، کوران هوا و نور مناسب و نظایر آن و دیگری از نظر جوابگویی به نیازهای معنوی مردم، یعنی ایجاد فضاهای مناسب با طرز زندگی و نوع فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی. این دو شرط اگر با هم به کامل‌ترین نحو جمع شوند، می‌توانند سبب ایجاد حس مطلوبیت از مسکن گردیده و درجاتی از رضایت فرد را فراهم آورند (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰).

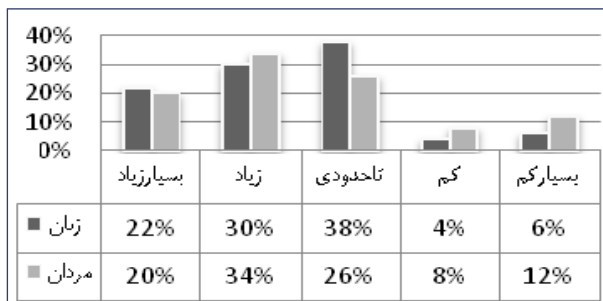
خانه‌ها در نقاط مختلف جهان بسیار متفاوت هستند و افراد ترجیح می‌دهند در خانه‌هایی زندگی کنند که مطابق فرهنگ گذشته آنها باشد، این به دلیل آن است که سکونتگاه‌هایی که تبلوری از فرهنگ می‌باشند، مکمل الگوهای رفتاری آن فرهنگ هستند. راپاپورت پنج جنبه اصلی فرهنگ را که در شکل‌گیری فضای داخل خانه‌ها مؤثر بوده، نحوه انجام فعالیت‌های اصلی، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها، نگرش به خلوت و فرایند روابط اجتماعی معرفی می‌کند (لنگ، ۱۳۸۱؛ ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰).

سانتی‌متر حداقل فاصله برای تعامل بین افراد غیر صمیمی است، فاصله اجتماعی - مشورتی (۳۶۰-۱۲۰) سانتی‌متر فضای بین افراد در اجتماعات اتفاقی و موقعیت‌های کاری است. افراد در زمان انجام فعالیت‌های رسمی بیشترین فاصله را دارند. میزهای تحریر دفاتر اداری فاصله رسمی افراد را باید حفظ کنند. حفظ این فواصل با زیبایی‌های نمادین طراحی داخلی تقویت می‌شود. اگر فواصل از ۳۶۰ سانتی‌متر بیشتر شود، تعامل عمومی می‌شود (لنگ، ۱۳۸۱). اگر نیازهای اجتماعی مردم با احساس استقلال فردی حاصل از خلوت در تعادل قرار گیرد، روابط اجتماعی آسان‌تر می‌شود. خلوت کالبدی، پیش‌نیاز بیشتر رفتارهای اجتماعی است، در محیطی که خلوت کالبدی وجود داشته باشد دامنه وسیع‌تری از انتخاب شخصی به وجود می‌آید. شاخص‌های تعیین‌کننده الگوهای تعامل اجتماعی، جزئیات طراحی و بالاتر از همه شیوه زندگی ساکنین، تراکم و نیاز به کمک‌های متقابل می‌باشد. خلوت و تعامل اجتماعی مفاهیمی مرتبط و نزدیک هستند (همان). افراد مختلف به سطوح متفاوتی از تعامل اجتماعی تمایل دارند. تعریف سطح مطلوب تعامل، به‌طور ذهنی از گفته‌های مردم و به‌طور عینی از موضع‌گیری هنجاری نسبت به زندگی خوب به دست می‌آید. اگر در طراحی، خواسته‌های مردم در نظر گرفته شود، محیط ساخته شده حاصل از آن قابلیت تأمین تعامل اجتماعی را خواهد داشت (جدول ۲) (همان).

بررسی نمونه‌های مشابه

مطالعه وست‌گیت^{۲۲}: مطالعه لئون فستینگر^{۲۳} و همکارانش در مجموعه مسکونی وست‌گیت در مؤسسه فناوری ماساچوست^{۲۴} به روشنی تأثیر طراحی محیط بر تماس‌های اجتماعی مردم را نشان می‌دهد (Festinger & Schacter & Back, 1950; Michelson, 1976). در مطالعه وست‌گیت فاصله کارکردی بین واحدهای مسکونی کوتاه بود. درهای واحدها به یکدیگر نزدیک بودند و اغلب از برخوردهای رودررو استقبال می‌شد. جمعیت مورد مطالعه از پاره‌ای جهات از جمله دانشجو بودن، کارآمودگی و وضعیت مالی کاملاً همگن بود. این افراد به حمایت متقابل یکدیگر نیز نیاز داشتند. مطالعه وست‌گیت نشان داد که نزدیکی کارکردی به الگوهای تعامل اجتماعی ساکنین ربط دارد (لنگ، ۱۳۸۱).

مطالعه آسایشگاه‌های روانی: تحقیق چارلز هولوهان^{۲۵} و سوزان زیگرت^{۲۶} در مورد الگوهای تعامل اجتماعی در آسایشگاه روانی نشان می‌دهد که دیوارهای جداکننده با ارتفاع شش فوت در بین تخت‌ها، ضمن ایجاد قلمرو مکانی روشن برای هر بیمار، تعامل اجتماعی بین بیماران و کارکنان و بین بیماران و ملاقات‌کنندگان را افزایش داده



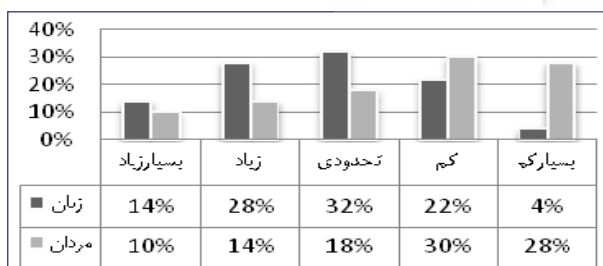
شکل ۲. پرسش شماره ۱، تحلیل پاسخ ها.

برای تعیین مرز میان خود و دیگری و کنترل روابط بین فردی، لازم است در ابتدا هر فرد بداند که کیست و چه زمانی می‌تواند نفع شخصی خود را در نظر بگیرد. این امر به صورت ناخودآگاه در شخصیت هر فرد شکل می‌گیرد. پاسخ‌ها حاکی از توجه افراد به این مسئله است.

جدول ۴. پرسش شماره ۲- برداشت پاسخ ها

۲- به چه میزان از حضور سرزده دیگران در اتاق یا خانه خود احساس ناراحتی، خشم یا کسالت می‌کنید؟

	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
زنان	۷	۱۴	۱۶	۱۱	۲	۵۰
مردان	۵	۷	۹	۱۵	۱۴	۵۰



شکل ۳. پرسش شماره ۲، تحلیل پاسخ ها

این احساس در زنان بیشتر از مردان بوده و اکثر مردان دو گزینه آخر را در نظر گرفته‌اند.

روانشناسی خانه و معماری آن بیشتر از آنکه به بحث چیدمان و نحوه ساخت و ساز بپردازد، به موضوعاتی چون خلق فضاهای آرامش بخش، تأمین امنیت روحی و روانی افراد و چگونگی تأثیر آن بر روحيات و شخصیت افراد مختلف مربوط می‌شود. چیزی که ساخته می‌شود برای انسان است، بنابراین باید بر اساس و پایه انسانی و بر مبنای تمایلات، تأمین نشاط، سلامت و آسایش انسان بنا شود. نیاز به خلوت در دستیابی به این آسایش نقش تعیین کننده دارد. از این رو در گزینش مطالعه موردی تصمیم بر آن شد که مطالعه و بررسی میزان تأمین نیاز به خلوت و تأثیر آن بر روابط متقابل افراد، در ساختمان‌های مسکونی از طریق تحقیق میدانی صورت گیرد. به این منظور پرسش‌نامه‌ای تدوین گشت که سؤالات آن در راستای پاسخ به پرسش پژوهش و رسیدن به فرضیه تحقیق و بر اساس مطالعات انجام شده و عوامل تأثیرگذار در تأمین خلوت در ساختمان‌های مسکونی تنظیم شده‌است. تحقیق حاضر در شهر قزوین انجام گرفته و به منظور دستیابی به نتایج معتبر و قابل مقایسه، تصمیم بر آن شد که پرسش‌نامه‌ها در مناطق مسکونی متوسط -رو به بالای- شهر قزوین (به لحاظ اقتصادی، معیشتی و فرهنگی) توزیع شود تا با تفکیک جنسیت در پرسش‌نامه‌ها بتوان نتایج حاصل را در مورد زنان و مردان مقایسه کرد. پرسش‌شوندگان (زنان و مردان) در گروه‌های سنی یکسان از میان جوانان و میان سالان انتخاب شده‌اند. در این راه از میان متغیرهای موجود، فرهنگ و اقتصاد خانواده‌ها ثابت در نظر گرفته شده و به عامل جنسیت توجه ویژه شده‌است. پرسش‌نامه‌ها در ساختمان‌های مسکونی آپارتمانی ۴ الی ۱۰ واحدی توزیع شده‌است. تعداد ۱۱۰ پرسش‌نامه توزیع شد که از این میان ۱۰ پرسش‌نامه به دلیل خطا در پاسخ‌ها حذف شده و ۵۰ پرسش‌نامه از زنان، با ۵۰ پرسش‌نامه از مردان مقایسه خواهد شد. پاسخ‌ها در قالب ۵ گزینه مشترک (بسیار زیاد/ زیاد/ تاحدودی/ کم/ بسیار کم) تدوین شده‌اند تا بتوان ارزیابی دقیق‌تری انجام داد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این بخش به بررسی پرسش‌نامه‌ها پرداخته و نتایج به دست آمده از جامعه آماری ۱۰۰ نفره در جداول ۳ تا ۱۶ و شکل‌های ۲ تا ۱۵، مقایسه خواهد شد.

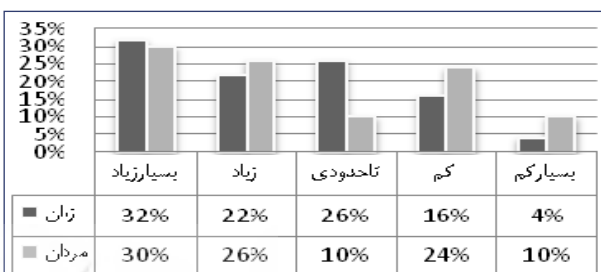
جدول ۳. پرسش شماره ۱- برداشت پاسخ ها

۱- در روابط خود با دیگران به چه میزان نفع شخصی خود را در نظر می‌گیرید؟

	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
زنان	۱۱	۱۵	۱۹	۲	۳	۵۰
مردان	۱۰	۱۷	۱۳	۴	۶	۵۰

جدول ۵. پرسش شماره ۳، برداشت پاسخها

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱۶	۱۱	۱۳	۸	۲	۵۰
۱۵	۱۳	۵	۱۲	۵	۵۰

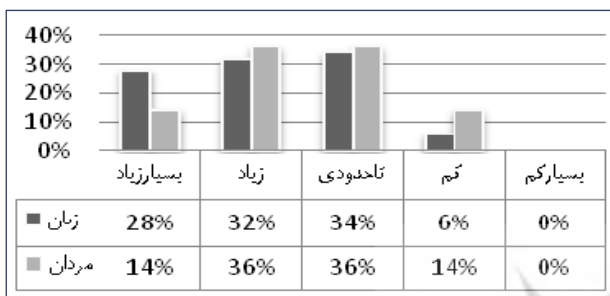


شکل ۴. پرسش شماره ۳، تحلیل پاسخها

این سؤال به منظور تخمین تأثیر طراحی محیط منزل در ایجاد احساس امنیت و کنترل مرزها طرح شده است. اکثر افراد در صورت عدم موفقیت در نظارت بر مرز میان خود و دیگری، دچار تنش شده و ابراز ناراضی می کنند. (این نسبت در زنان بیشتر است)

جدول ۷. پرسش شماره ۵، برداشت پاسخها

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱۴	۱۶	۱۷	۳	۰	۵۰
۷	۱۸	۱۸	۷	۰	۵۰

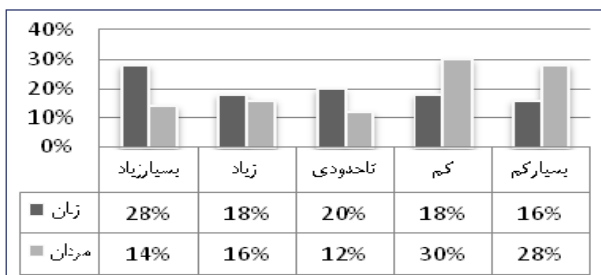


شکل ۶. پرسش شماره ۵، تحلیل پاسخها

اکثر افراد در جامعه نمونه معتقدند که عدم تأمین خلوت سبب ایجاد معضلات روحی و اجتماعی خواهد شد.

جدول ۶. پرسش شماره ۴، برداشت پاسخها

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱۴	۹	۱۰	۹	۸	۵۰
۷	۸	۶	۱۵	۱۴	۵۰

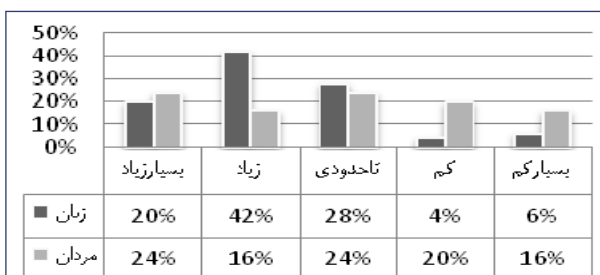


شکل ۵. پرسش شماره ۴، تحلیل پاسخها

۴۶ درصد از خانمها این امر را ناخوشایند و ۵۸ درصد آقایان آن را چندان ناخوشایند نمی دانند.

جدول ۸. پرسش شماره ۶، برداشت پاسخها

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱۰	۲۱	۱۴	۲	۳	۵۰
۱۲	۸	۱۲	۱۰	۸	۵۰



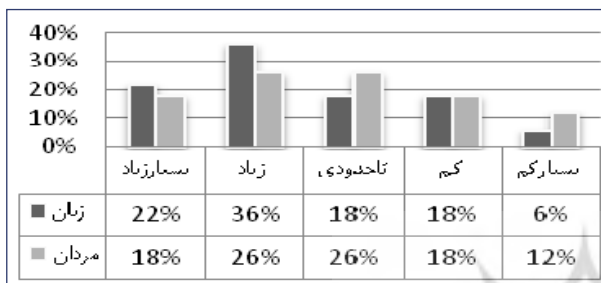
شکل ۷. پرسش شماره ۶، تحلیل پاسخها

افراد، خصوصاً زنان، وجود فضاهای شخصی را برای تأمین خلوت ضروری می دانند.

جدول ۱۱. پرسش شماره ۹، برداشت پاسخها

۹- نفوذ صداها از واحدهای همسایگی به منزل شما چقدر احساس ناراحتی از محیط را برای شما به همراه می‌آورد؟

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱۱	۱۸	۹	۹	۳	۵۰
۹	۱۳	۱۳	۹	۶	۵۰



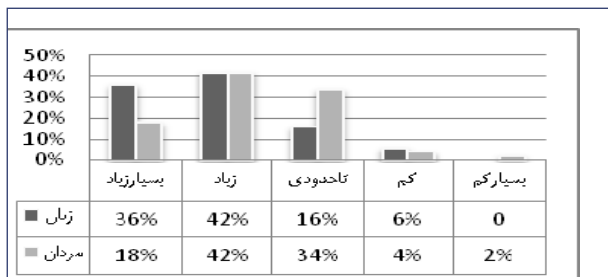
شکل ۱۰. پرسش شماره ۹، تحلیل پاسخها

پاسخها حاکی از آن است که نفوذ صداها از خارج از فضای شخصی سبب احساس ناراحتی از محیط ساخته شده خواهد شد و در قضاوت ما نسبت به سایرین تأثیرگذار خواهد بود.

جدول ۱۲. پرسش شماره ۱۰، برداشت پاسخها

۱۰- تفکیک عرصه‌های خصوصی (اتاق خواب/کار) و عمومی (نشیمن/پذیرایی) خانه را چقدر در تأمین خلوت موثر می‌دانید؟

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱۸	۲۱	۸	۳	۰	۵۰
۹	۲۱	۱۷	۲	۱	۵۰



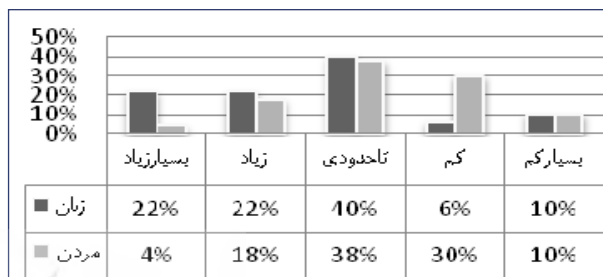
شکل ۱۱. پرسش شماره ۱۰، تحلیل پاسخها

در صورت تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی امکان تأمین خلوت در فضای سکونت بیشتر خواهد بود.

جدول ۹. پرسش شماره ۷، برداشت پاسخها

۷- در طول روز به چه میزان احساس می‌کنید نیاز به تنهایی و خلوت دارید؟

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱۱	۱۱	۲۰	۳	۵	۵۰
۲	۹	۱۹	۱۵	۵	۵۰



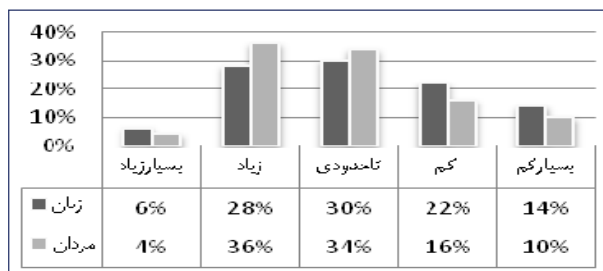
شکل ۸. پرسش شماره ۷، تحلیل پاسخها

اکثر افراد به گزینه‌های اول تا سوم پاسخ گفته‌اند. البته این نیاز در زنان به میزان قابل توجهی بیشتر از مردان می‌باشد.

جدول ۱۰. پرسش شماره ۸، برداشت پاسخها

۸- صدای تلویزیون، پخش موسیقی، مکالمه سایر اعضای خانواده و سایر اصوات در منزل به چه میزان به اتاق شما نفوذ می‌کند؟

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۳	۱۴	۱۵	۱۱	۷	۵۰
۲	۱۸	۱۷	۸	۵	۵۰



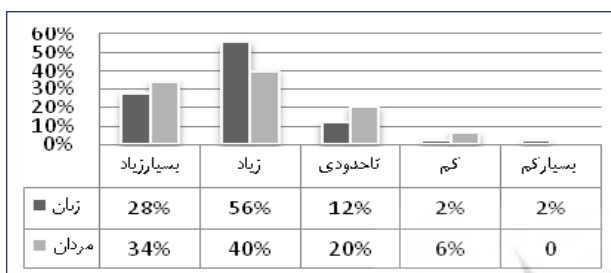
شکل ۹. پرسش شماره ۸، تحلیل پاسخها

در پاسخها، گزینه‌های ۲ و ۳ بیشترین درصد را دارا هستند. می‌توان نتیجه گرفت که در اماکن مسکونی کنترل شنیداری تأمین نشده‌است.

جدول ۱۵. پرسش شماره ۱۳، برداشت پاسخها

۱۳- زمانی که در تنهایی به خود می‌اندیشید چقدر در مورد نوع روابط خود با دیگران تصمیم‌گیری می‌کنید؟

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱۴	۲۸	۶	۱	۱	۵۰
۱۷	۲۰	۱۰	۳	۰	۵۰



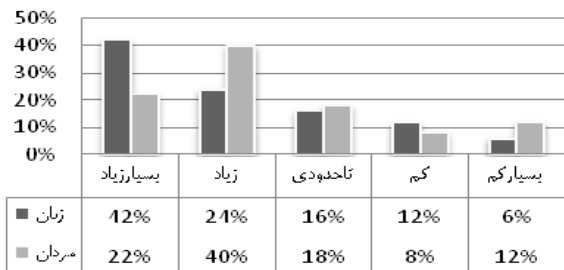
شکل ۱۴. پرسش شماره ۱۳، تحلیل پاسخها

زن و مردان در هنگام تنهایی در مورد ارتباطات خود، تفکر، قضاوت و تصمیم‌گیری می‌کنند و این میزان در زنان به نسبت بیشتر از مردان است.

جدول ۱۶. پرسش شماره ۱۴- برداشت پاسخها

۱۴- وجود فضاهای عمومی از جمله: پلازا، لابی، حیاط، فضاهای ورزشی و ... را در ساختمان‌های مسکونی به چه میزان در آشنایی و برقراری ارتباط با سایرین و تداوم ارتباطات جمعی مؤثر می‌دانید؟

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۳	۱۲	۸	۶	۳	۵۰
۱	۷	۱۷	۱۴	۱۱	۵۰

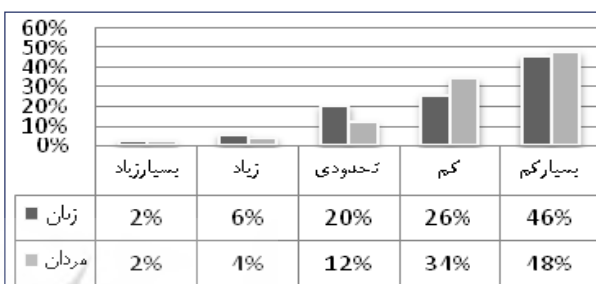


شکل ۱۵. پرسش شماره ۱۴، تحلیل پاسخها

جدول ۱۳. پرسش شماره ۱۱، برداشت پاسخها

۱۱- به چه میزان در محدوده همسایگی و یا در ساختمانی که در آن زندگی می‌کنید از فضاهای جمعی بهره می‌برید؟

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۱	۳	۱۰	۱۳	۲۳	۵۰
۱	۲	۶	۱۷	۲۴	۵۰



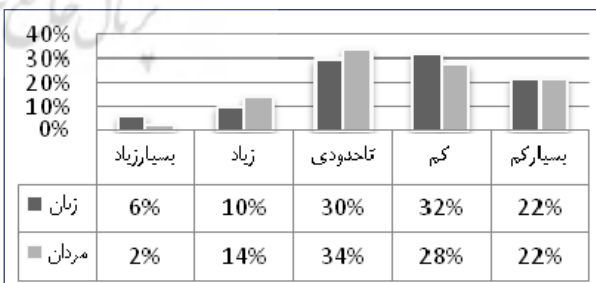
شکل ۱۲. پرسش شماره ۱۱، تحلیل پاسخها

تعاملات افراد در واحدهای همسایگی بسیار ناچیز بوده و در طراحی فضاهای مسکونی توجهی به آن نشده است.

جدول ۱۴. پرسش شماره ۱۲، برداشت پاسخها

۱۲- همسایگان خود را چقدر می‌شناسید و تا چه میزان با آنها ارتباط دارید؟

بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	مجموع
۳	۵	۱۵	۱۶	۱۱	۵۰
۱	۷	۱۷	۱۴	۱۱	۵۰



شکل ۱۳. پرسش شماره ۱۲، تحلیل پاسخها

فضای تعامل و گفت‌وگو (فروم) در ساختمان‌های مسکونی نادیده گرفته شده و تعاملات افراد از میزان مطلوبی برخوردار نیست، زیرا در ۸۵ درصد موارد میزان تعاملات افراد با همسایگان ناچیز می‌باشد و در مورد مردان این میزان بیشتر است.

در جامعه نمونه، وجود فضاهای عمومی از سوی افراد- خصوصاً زنان جهت افزایش تعاملات اجتماعی مؤثر ارزیابی شده است.

نتیجه‌گیری

پس از تحلیل و بررسی داده‌ها، فرضیه این پژوهش به شرح ذیل قابل اثبات می‌باشد:

افراد برای رسیدن به استقلال فردی نیازمند تجربه لحظاتی هستند که با خود تنها بوده و در مورد خود بیاندیشند. برای رسیدن به تعریف مشخصی از خویشتن و ارزیابی آنچه من، نامیده می‌شود، لازم است بر فضای شخصی خود نظارت داشته و برای گشودن مرزهای شخصی به سوی دیگران آزادانه تصمیم‌گیری نمود. پاسخ‌ها حاکی از آن است که افراد در صورت عدم نظارت انتخابی بر مرزها، دچار احساس ذهنی ازدحام و تنش شده و گاه عکس‌العمل‌هایی مبنی بر ناراضی‌تی، خشم، کسالت و ترک محیط از خود بروز می‌دهند. این احساس ذهنی در زنان به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر از مردان می‌باشد. با رعایت اصول طراحی می‌توان تا حدودی خلوت کالبدی را تأمین نمود. البته نحوه تأمین خلوت برای فرهنگ‌های گوناگون متفاوت خواهد بود. کنترل اصوات خارجی و نیز جانمایی فضاهای داخلی به گونه‌ای که کمترین اشراف دیداری، شنیداری و بویایی را نسبت به هم داشته باشند از راهکارهای بهینه‌اند. با فراهم آوردن مرزهای کالبدی مناسب بین محیط درون و بیرون خانه و استفاده از علائم و موانع آشنا می‌توان عرصه‌های خصوصی و عمومی را به درستی تفکیک کرد. زیرا افراد در صورت اشراف غیر به فضای شخصی خویش، احساس ناامنی کرده و با گذشت زمان میزان ارتباطات روزمره را محدودتر می‌سازند. می‌توان گفت مزاحمت‌های دیداری و شنیداری سبب ایجاد پیش فرض‌های ذهنی از سایرین خواهد شد که در تصمیم‌گیری در مورد روابط خود با دیگران به عنوان معیار در نظر گرفته می‌شود.

نتایج به‌دست آمده ضرورت تأمین خلوت برای زنان را بیش از مردان آشکار ساخته و آسیب‌پذیری و نیاز آنان به کنترل و نظارت بر مرزهای شخصی ما را ملزم به یافتن شاخص‌های کارا در ایجاد این کیفیت فضایی در طراحی مسکن می‌سازد. همچنین با جانمایی فضاهایی مختص برقراری تعاملات اجتماعی به موازات تأمین خلوت در کالبد اماکن مسکونی می‌توان امیدوار بود که فرد در صورت تمایل و احساس نیاز، ارتباطات خود را گسترش داده و در جمع حاضر شود. در جامعه نمونه افراد به میزان قابل ملاحظه‌ای در طول روز نیاز به خلوت را احساس می‌کنند (این احساس در زنان قوی‌تر است) اما نمی‌توان نادیده گرفت که خواهان گسترش روابط اجتماعی نیز می‌باشند. زیرا گاه نیاز است که فرد با کسی سخن بگوید و یا در حل

مسائل زندگی از دیگری کمک بجوید. در شرایطی که افراد به میزان مطلوب خلوت دست یابند، مرزهای خود را برای ارتباط با دیگران باز می‌گذارند و میزان تعاملات اجتماعی خود را افزایش می‌دهند. در تحلیل جامعه نمونه مشاهده می‌شود که افراد با همسایگان خود ارتباط محدودی دارند و در ساختمان‌های مسکونی، نقش فضاهای عمومی به دلیل منافع اقتصادی سازندگان و صرفه‌جویی در زمین، به شدت کاهش یافته است، میزان تمایل افراد در گسترش تعاملات اجتماعی ایجاب می‌کند تا در طراحی اماکن مسکونی پس از کنترل ضوابط در تأمین خلوت، امکان بهره برداری از فضاهایی جهت ایجاد تعاملات اجتماعی و بهبود روابط متقابل را هم فراهم نمود.

با استناد به مطالعات و تحلیل پرسش‌نامه‌ها، طراحان می‌توانند از طریق طراحی موانع واقعی و نمادین، تعریف قلمروهای داخلی ساختمان‌ها و فضای باز بیرونی، افزودن عناصر کارکردی مناسب، رعایت سلسله مراتب بهینه دسترسی به فضاهای خصوصی و عمومی از طریق تعریف فضای ورود، عبور، مکث و سایر موارد، حل روابط داخلی واحدهای مسکونی با تعریف فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی و ارائه راهکارهای مناسب جهت حل مسئله اشراف دیداری و شنیداری در قلمروهای خصوصی در هر واحد، انعطاف‌پذیری و قابلیت بهره‌برداری چند منظوره از فضاها، حفظ استقلال واحدهای مسکونی، ایجاد تداخل مناسب در بدنه‌ها جهت افزودن ارتباط داخل و خارج بنا با کنترل اشراف سایر واحدها و امنیت لازم و ایجاد دید و منظر و تنوع فضایی، مکانیایی و جانمایی فضاهای عمومی در اماکن مسکونی در نقاط مناسب و عملکردی بنا، بهره‌گیری از عایق‌های صوتی مناسب جهت کنترل اصوات داخلی و خارجی، رعایت شاخص‌های فرهنگی و سایر موارد، پاسخ مناسبی برای این نیاز ارائه نمایند.

پی‌نوشت‌ها

1. Privacy
2. Self evaluation
3. Westin
4. Irwin Altman
5. Jon Long
6. Personal space
7. Territorial behaviour
8. Security
9. Affiliation
10. Esteem
11. Rappaport
12. Solitude
13. Intimacy
14. Anonymity

10. Ardrey, R. (1966). *The Territorial Imperative*. New York: Atheneum.

11. Bechtel, R. (1977). *Enclosing Behavior*. Stroudsburg, Pa.: Dowden, Hutchinson and Ross.

12. Becker, Franklin D. (1981). *Workspace: Creating Environments in Organizations*, New York: Praeger.

13. Dubos, R. (1965). *Man Adapting*. New Haven: Yale University Press.

14. Festinger, L. Schacter, S., & Back, K. (1950). *Social Pressures in Informal Groups*. Stanford, Ca. Stanford University Press.

15. Flaschbart, P. G. (1969). Urban Territorial Behavior. *Journal of the American Institute of Planners* , 25(6), 412-416.

16. Hall, E. T. (1959). *The Silent Language*. New York: Doubleday. & (1966). *The Hidden Dimension*, New York: Doubleday.

17. Holohan, C. & Seagert, S. (1973). Behavioral and Attitudinal Effects of Large-Scale Variations in the Physical Environments of Psychiatric Wards. *Journal of Abnormal Psychology*, 82, 454-462.

18. Michelson, W. (1976). *Man and His Urban Environment: A Sociological Approach*, Reading, Mass.: Addison-Wesley.

19. Newman, O. (1972). *Defensible Space: Crime Prevention Through Urban Design*, New York: Macmillan.

20. Pastalan, L. A. (1970). *Privacy as an Expression of Human Territoriality*, Institute of Gerontology, University of Michigan-Wayne State University of Gerontology, Habituation and being in place, *Occupational Therapy Journal of Research*, pp. 88-101.

21. Rappaport, A. (1969). *House Form and Culture*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.

22. Schwartz, B. (1968). The Social Psychology of Privacy. *American Journal of Sociology*, 73(6), 541-542.

23. Sommer, R. (1969). *Personal Space: The Behavioral Basis of Design*. Englewood Cliffs, N. J. : Prentice-Hall.

24. Westin A. (1970). *Privacy and Freedom*. New York: Ballantine.

15. Reserve

16. Leon Pastalan

17. Hall

18. Robert Sommer

19. Oscar Newman

20. Functional distance

21. Functional centrality

22. Westgate

23. Leon Festinger

24. Massachusetts Institute of Technology

25. Charles Holohan

26. Susan Seagert

27. Marina Towers

فهرست مراجع

۱. آلمن، ایروین. (۱۳۸۲). *محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام*. (علی نمازیان، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲. چرمایف، سرچ؛ و الکساندر، کریستوفر. (۱۳۷۱). *عرضه های زندگی جمعی و خصوصی (به جانب یک معماری انسانی)*. (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.

۳. دانشپور، سید عبدالهادی؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ و غیائی، محمد مهدی. (۱۳۸۸). جایگاه دانش روان شناسی محیطی در ساختمان های بلند مرتبه با رویکرد معماری پایدار. *فصلنامه هویت شهر*، ۵، ۳۸-۲۹.

۴. ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح؛ و رهبری منش، کمال. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع های مسکونی و تأثیر مجتمع های مسکونی بر روابط انسان (مطالعه موردی چند مجتمع مسکونی در تهران). *فصلنامه هویت شهر*، ۸، ۱۱۸-۱۰۳.

۵. لنگ، جان. (۱۳۸۱). *آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)*. (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.

۶. مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). *روانشناسی محیط و کاربرد آن*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۷. مطلبی، قاسم. (۱۳۸۰). روان شناسی محیطی: دانشی نودر خدمت معماری و طراحی شهری. *نشریه هنرهای زیبا*، ۱۰، ۶۷-۵۲.

۸. مهرداد، ندا؛ پارسا یکتا، زهره؛ و جولایی، سودابه. (۱۳۸۳). مطالعه ای مروری بر حفظ حریم بیماران. *فصلنامه حیات*، ۲۳، ۸۷-۹۵.

9. Altman, I. (1975). *Environmental and Social Behavior*. Monterey, Ca: Brooks/Cole.

A Survey on Relationship between Privacy and Interaction In Qazvin Residential Buildings

*Iman Raeisi**, Ph.D. Assistant Professor, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran.

Elaheh Alsadat Hosseini, M.A. in Architecture, Islamic Azad University, Qazvin Branch, Qazvin, Iran.

... Abstract

This paper reviews the basic needs of human in environmental psychology issues. This requirement is associated with concepts like density and overcrowding, and it sometimes is used against the overcrowding concept. As result of uncontrolled increasing in population and construction of small apartments in confined spaces in Iran, it is necessary that privacy issues are considered in planning of cities and town. Measuring the privacy in residential buildings and it's efficacy on people interaction is the main purpose of this research. In order to make research hypothesis clear, the privacy concept and its nature and methods which is leads to it have been considered. And finally the most important function of privacy which is self looking and individual identity has been investigated. In this study the correlation method is used in combination with survey research methods. The questionnaire was prepared and distributed in the sample population (residents of residential buildings in Qazvin), then the results is analyzed in comparative studies.

The research project which was held by the authors was done within a mix of qualitative as well as quantities approach. A survey was held by questionnaires both men as well as women who use residential building (110 people were queried). The result of questionnaires along side with results of literature reviews and long time observation were analyzed together to form up the research outcomes.

Analysis of the results confirms the hypothesis and shows that a desired level of privacy can improve the quality of social interactions. If the privacy isn't provided, people suffer from subjective feelings of tension and overcrowding, and this negatively affected the quality of their interactions.

Analysis the questionnaires have been cleared that exerting the environmental criteria to achieve the privacy can increase the opportunities of people's interactions in residential spaces. These results are demonstrated the research hypothesis that obtains the desirable privacy can improve the quality of social interactions. Lack of privacy may cause the sense of overcrowding and people who use these spaces may suffer from stress. Consequently, it will be decreases the quality of social communications. Diversities of men and women about the privacy are one of the most important results in this survey. Women are so tender and they usually have serious reactions when their personal spaces dominated by the others, and they have to stint their relationship when this occurred several times. Finally, it is proposed by using the principals designed of privacy residential buildings, such as the design of real and symbolic barriers, defining public and private realms, adding the appropriate functional elements, regarding the optimal sequence of access to public and private spaces, flexibility and capability of multi-purpose use of space, and solving spatial relationships, the physical privacy is provided. The result of this research can be used to design or redesign of new residential buildings. It's recommended that the environmental criteria exert for achieving the privacy in the preparation of the plans of residential buildings and made a suitable context to spread the people interactions with high quality.

... Keywords: Privacy, Monitoring the borders, Social interactions, Residential building.

* Corresponding Author: Email: raeisi@qiau.ac.ir